

مسیحیت در چنگال خرافات

مسیحیت در نخستین مسئله اساسی ادیان (توحید) که قدر جامع همه مذاهب آسمانی است دچار انحراف و خرافه پرستی شده است .

چگونه تثلیث و سه گانه
پرستی وارد کلیسا شد ؟

تأسف آوری در مسئله توحید که جامع مشترك همه ادیان راستین است ، به شرك و خرافه پرستی گرفتار آمد ؟

افسانه های بت پرستی در آئین کلیسا
یکی از مهمترین عواملی که کلیسا را به شرك «تثلیث» و سه گانه پرستی کشانید ، توسعه و گسترش عقاید بت پرستی و گرمی بازار افسانه ها و موهومات بود . این امر به ضمیمه نفوذ و راه - یابی گروهی از بت پرستان یونان قدیم ، مصر ؛ رومانی ، ایران و هند به کلیساها و معابد مسیحیت ، رهبران مسیحیت را بشدت تحت تأثیر محیط و مردم

آنچه از مطالعه و بررسی تاریخ کلیسا و کتب مسیحیان بدست می آید ، مسیحیت معاصر و گذشته نیز ، در نخستین اصل ادیان (توحید) که همه انبیا به ابلاغ و تبلیغ آن مبعوث و مأمور بودند ، دچار خرافه پرستی و موهوم گرایی گردید . بیقین ، مسیح آن بزرگمرد آسمانی ، پیامبری راستین بود که همچون دیگر پیامبران الهی عهده دار رسالتی آسمانی و بزرگه شد ، و بشریت را به مقتضای فطرت و سرشتشان به توحید و یکتا پرستی دعوت کرد . باید دید چه عامل یا عواملی باعث شد که کلیسا و کتب مذهبی مسیحیان بعد از مسیح با چنین وضع

خرافه پرست قرار داد ، و آنان را واداشت تا به میل و مناسباً فکارعموم ، مسئله تثلیث را تصویب کنند (۱)

خوشبختانه برخی از دانشمندان محقق مسیحی ، این حقیقت تلخ را اعتراف دارند و با صراحت گفته اند که : آشنائی مسیحیت با افسانه ها و عقاید بت پرستی ، در خرافات و موهوم گرائی مسیحیان نقش مهمی را بازی کرده است . مثلاً دانشمند معروف مسیحی «و.م. میلر» مینویسد : «بسیاری از بت پرستان ، به کلیسا ها راه یافتند این اشخاص بعضی از موهومات و رسوم و اعتقادات بت پرستی سابق خود را نیز با خود به همراه آورده مسیحیت را به آن رسوم و عقاید آلوده کردند . فی المثل بجای آنکه الهه زمان بت پرستی خود را بپرستند ، به پرستش «ماریم باکره» پرداختند . درخت ، کوه و چاههایی را که سابقاً در بت پرستی مقدس می شمردند در مسیحیت نیز مورد پرستش قرار گرفت . بعضی هم معتقد شدند که با داشتن شکل «صلیب» میتوانند خویشتن را از شرارت ارواح پلید مصون و ایمن بدارند» (۲) از گفتار این نویسنده بخوبی میتوان به حدود نفوذ عقاید «میتولوژی» و کفر آمیز و میزان تأثیر پذیری کلیسا ها از اینگونه خرافات پی برد .

قرآن مجید آنجا که عقیده خرافی و شرک

آمیز تثلیث مسیحیت و «ابن الله» بودن حضرت عیسی را شدیداً مورد نکوهش قرار داده و آنرا رده میکند ، بایک جمله کوتاه عریحاً بیان میکند که عقاید الحادی و افسانه های بت پرستی ، در آئین کلیسا و مسیح تأثیر بسزائی داشته است . « قالت الیهود عزیز ابن الله و قالت النصارى المسيح ابن الله ذلك قولهم با - فواهمم یضاهون قول الذین کفرو امن قبل قاتلهم الله انی یؤفکون » یهودیان گفتند عزیز ، پسر خدا است و نصاری میگویند : مسیح پسر خدا است ، این سخن ایشان است که بازبانهای خویش گویند ، گفتار ایشان به تقلید از گذشتگانی که از پیش کفر ورزیدند (بت پرست و مشرک شدند) سرچشمه گرفته است خدا ایشانرا بکشد . چگونه از حق منحرف شدند ؟ (۳)

این آیه تأیید میکند که منشأ پیدایش شرک و بت پرستی در معابد مسیحیت و کلیساها توسعه و گسترش عقاید اساطیری بت پرستان است . بنا بر این ، تثلیث مسیحیت تقلیدی است از سه گانه پرستی اقوام و ملل پیش از میلاد مسیح . چنانکه سیر تاریخی مذهب در هند نشان میدهد که مردم این «سرزمین عجائب» به تثلیث سه گانه پرستی معتقد بوده اند . هندوها عبادات خود را مخصوص و منحصر میدانستند به «تری مورتی» (۴) یا

۱ - العقائد الوثنية فی الديانة النصرانية ص ۱۶

۲ - تاریخ کلیسای قدیم ص ۲۵۸

۳ - سوره توبه آیه ۳۰

۴ - این لغت سانسکریتی و مرکب از «تری» انگلیسی بمعنی سه و «مورتی» بمعنی شکل است .

گرومی از دانشمندان روشنفکر مسیحیت با عقیده تثلیث به مبارزه برخاستند. از آن جمله «آریوس» است که یکی از رهبران بزرگ و دانشمند کلیسا بود. گروه فراوانی از رهبران روحانی مسیحیت به حمایت وی برخاستند. او معتقد بود آفریدگار جهان هیچگونه شباهتی به انسان و مخلوقات دیگر ندارد، پس ممکن نیست مسیحی که به زمین آمده و چون انسان تولد یافته است، با خدائی که نمی‌توان حقیقت آنرا شناخت یکی بشماریم...» (۲)

«آریوس» عقیده خود را بطور کامل برای مردم توضیح می‌داد و گاهی برای تبلیغ و انتشار این عقیده در میان توده مردم، از ذوق و قریحه خمدادادی دلنشین، از حمایت آنان برخوردار می‌گشت.

شورای نیکبیه تثلیث را می‌پذیرد

سروصدای مخالفت آمیز «آریوس» و نیز مخالفت‌های آشوب انگیز عده‌ای دیگر از مسیحیان اندیشمند مانند «آرتمون» که آشکارا با خدائی حضرت مسیح مخالف بودند و فقط او را انسانی می‌دانستند که بیش از انسانهای دیگر بخشش «روح القدس» را یافته است (۳)، رؤسای موهوم - گرا و خرافه پرست کلیسا را بر آن داشت که بجای پذیرش پیشنهادهای منطقی و اصلاحی این گروه، دست به آزار و تبعید

اقدام های سه گانه! هندوها را عقیده بر این است که برهما «هستی بخشی است بی شکل که صفت در او اثر ندارد و هنگامیکه خواست آفرینش آغاز کند، صفت آفریننده بخود گرفت و بصورت جاننداری نر «برهمای آفریدگار» در آمد، سپس بکار خود افزود و به وصف دوم از او صاف وجود انتقال یافته «فشو» (نگهدارنده) شد، آنگاه صفت تبعی دیگر بخود گرفت «سیفا» (کشنده) گشت: این سه گانه پرستی هندوها است که متأسفانه در معابد و عقاید مسیحیت راه یافته است.

دانشمندان مسیحی با خرافه تثلیث می‌جنگند

از بررسی و مطالعه در تاریخ مسیحیت و آئین کلیسا روشن می‌گردد که عقیده تثلیث در قرون نخستین مسیحیت مورد قبول همگان نبوده است و جمعی از دانشمندان به مخالفت با آن برخاستند

«ولتر» دانشمند معروف فرانسوی می‌گوید: «مسیحیان از آغاز تاریخ پیدایش خویش تا کنون بر سر کلیه مسائل اساسی و اصولی دین خود با یکدیگر به نزاع و ستیز برخاسته‌اند و قرن‌ها برای بحث درباره خدای پسر و روابط او با خدای پدر، حتی خویشان و بستگان خود را قلع و قمع کرده‌اند» (۱)

همانطور که گفتیم در قرون اولیه مسیحی، نیز

۱ - اسلام از نظر ولتر ص ۹۷

۲ - تاریخ کلیسای قدیم ص ۲۴۰

۳ - تاریخ کلیسای قدیم ص ۲۰۱

همچون دیگر ادیان آسمانی ، بر پایه های فطرت بشری استوار بود ، در ردیف افسانه های بت پرستی مشرکان قرار گرفت و بالاخره مسیحیت بقول «ولتر» «فرزند ناخلف توحید فطری از کار درآمد» (۲)

دانشمندان ، خدای مسیحیت را نمی پذیرند .

با وجودیکه دانشمندان پس از سالها انکار و دشمنی با مسائل مربوط به ماوراء طبیعت و خدا ، اخیراً بنوعی شکست انگیز و بی سابقه ، باینگونه مسائل ایمان و علاقه نشان می دهند ، در عین حال «عقاید اساطیری» مسیحیت گذشته و معاصر موجب شده برخی از آنان با چنین مسائل ، میانه خوبی نداشته باشند و حتی بسیاری از آنها با خدای مسیحیت به جنگ و ستیز برخیزند . چنانکه «موریس-هیتر لینگ» فیلسوف و نویسنده معروف بلژیکی می گوید: «من به آن خدائی که کلیسا به بشر معرفی می کند، ایمان ندارم. من آن خدائی راستایش می کنم و به او ایمان دارم که او را در زوایای قلب خود جستجو می نمایم»

«ولتر» پس از آنکه مقداری پیرامون بی مایگی و ساختگی آئین کلیسا قلم فرسائی می کند ، می پردازد به خدائیکه مسیحیت معرفی می کند و می نویسد : «آیا کسیکه شعور دارد هرگز می پذیرد که یکی سه تا سه تا یکی می شود؟» (۳)

آنان زنند و در صدد تشکیل شورائی بر- آیند تا در آن شوری با کمک و حمایت همفکران مرتجع خود رسماً افسانه بت- پرستی تثلیث را در آئین آسمانی مسیح داخل کنند .

این نخستین شورائی بود که در جهان مسیحیت به نمایندگی عده ای از رؤسای کلیساها در روم شرقی تشکیل شد . این شوری در شهر «نیقیه» نزدیک «قسطنطنیه» که بعداً «شورای نیقیه» نام یافت منعقد گشت . در این شوری پس از مشاجرات و مناقشات فراوان ، سرانجام مسئله تثلیث مسیحیت با اکثریت آرا بدینگونه تصویب شد : « ما ایمان داریم بخدای قادر و به خداوند واحد عیسی مسیح پسر خدا ، مولود از پدر که از ذات پدر است ... خدا از خدا ، نور از نور ، خدای حقیقی از خدای حقیقی ... بوسیله او همه چیز وجود یافت آنچه در آسمان است و آنچه بر زمین است ... ایمان داریم به «روح القدس» و کلیسای جامع رسولان و لعنت باد بر کسانی که می گویند زمانی بود که او (عیسی) وجود نداشت و یا آنکه بگویند پیش از آنکه وجود یابد نبود ، و لعنت بر کسانی که اقرار می کنند وی (مسیح) از ذات یا جنس دیگری است و یا آنکه پسر خدا ، مخلوق یا قابل تغییر و تبدیل است ... » (۱)

بدینسان تعالیم و اصول دین مسیح که قطعاً

۱ - تاریخ کلیسای قدیم ص ۲۴۴

۲ - اسلام از نظر ولتر ص ۱۱۹

۳ - اسلام از نظر ولتر ص ۹۷

هنگامی که وارد محیط علمی می‌شوند و بفرار گرفتن و تمرین مسائل علمی اشتغال می‌ورزند این مفهوم انسانی شکل و ضعیف خداوند نمی‌تواند با دلایل منطقی و مفاهیم علمی جور در بیاید، در نتیجه بعد از مدتی که امید هر گونه سفارش از بین می‌رود مفهوم خدا نیز بکلی متروک و از سحنه فکر خارج می‌شود و احساس اینکه در ایمان بخدا قبلاً اشتباه شده و همچنین عوامل دیگر روانی باعث می‌شوند که شخص از نا-رسانی این مفهوم بینناک می‌شود و از خدا شناسی اعراض و انصراف حاصل می‌کند» (۲)

«ولتر اوسکار لندبرگ» (۱) دانشمند «فیزیولوژی و بیوشیمی» آمریکادریکی از مقالات علمی خود از خدائی که کتابهای عهد جدید معرفی می‌کند بی‌زاری جسته و یکی از عوامل مهم انکار خداوند را بوسیله جمعی از دانشمندان مغرب زمین معرفی غلط و نادرستی می‌داند که کلیسا و کتب مسیحیت از آفریدگار جهان بعمل آورده است. او می‌نویسد: در خانواده‌های مسیحی اغلب اطفال در اوایل عمر بوجود خدائی شبیه انسان ایمان می‌آورند، مثل اینکه بشر بشکل خدا آفریده شده است. این افراد

حقون برادر دینی

رسول اکرم (ص) هر موقع سه روز یکی از یاران خود را امیدید درباره او بتحقیق می‌پرداخت اگر می‌شنید که او به مسافرت رفته است در حق او دعا می‌نمود و اگر در شهر بود ولی به عللی از محضرا و غایب شده بود فوراً به دیدن او میرفت و اگر می‌شنید که او بیمار است از او عیادت می‌کرد.

بهار جلد ۱۶ صفحه ۲۳۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

waiter Oscarlundberg(1)

۲۱ - اثبات وجود خدا ص ۵۱ نقل از کتاب «قرآن و کتابهای دیگر آسمانی» ص ۱۳۷

شماره ۸ سال ۱۴

۶۰۵